



## بررسی ارتباط آموزه‌های دینی با ساختار و مفهوم در قصه ضامن آهو

حجت الله حسنونند

دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، گروه تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشگاه آزاد

اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

محمد خزایی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>

استاد گروه گرافیک، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

غلامعلی حاتم

استاد گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران

محمد عارف

دانشیار دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۴۰۱/۳/۸ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۱۸

### چکیده

«ضامن آهو» از جمله مضامین ارزشمند دارای پیام صریح اخلاقی-تربیتی در باور عامه است. قالب این مضمون، «قصه عامیانه و شفاهی ضامن آهو» است. بررسی‌های اولیه حاکی از پیوند این «قصه» با متون دینی و روایات مرتبط با رفتار پیامبر(ص) و برخی امامان معصوم (ع) در قبال حیوانات است. این در حالی است که؛ عدم وجود منابع و مطالعات کافی در این زمینه و در نتیجه نبود علم دقیقی نسبت به اشکال و کیفیت‌های این پیوند، موجبات کم‌توجهی به این مهم را فراهم ساخته است. از این رو هدف از انجام تحقیق حاضر، دستیابی به کیفیت‌های ارتباط مفاهیم، متون و روایات دینی با اجزاء

<sup>۱</sup> . khazaie@mmodares.ac

ساختار در قصه حاضر است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و همچنین مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی به انجام رسیده است و به سؤالاتی از جمله: چیستی و چگونگی رابطه متون و آموزه‌های دینی-اسلامی و شیعی با شکل‌گیری «قصه ضامن‌آهو» به تفکیک ساختار و مفهوم آن، پاسخ داده است. بررسی‌ها نشان داده است که: به تفکیک، ساختار بیرونی قصه، دارای روابط مستقیم و تنگاتنگی با احادیث و روایات مرتبط با پیامبر (ص) و معصومین (ع) بوده و اشارات موردی را در برمی‌گیرد. همچنین مفاهیم و مضامین (اجزاء درونی) قصه، برگرفته و در پیوند با متون اولیه اصلی اسلامی (قران) و برخی روایات و احادیث است؛ که اشارات کلی (اخلاقی) را شامل می‌شود. از این رو قصه بستر و قالبی برای بیان محتوا و مضامین دینی-شیعی را فراهم آورده است، که با خیال‌پردازی و به یاری برخی از باورهای ملی و قومی شکل کنونی خود را یافته است. این خصوصیت موجب تمایز و قوت قصه حاضر در قیاس با سایر موارد مشابه در این حوزه ادبی گردیده است.

**واژگان کلیدی:** ادبیات عامیانه، قصه ضامن آهو، امام رضا (ع)، متون دینی، مضمون شیعی

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسأله

مضمون شیعی و عامیانه «ضامن آهو» دارای زمینه دینی-مذهبی و بن‌مایه اعتقادی و مرتبط با موضوع حمایت از حیوانات است. این مضمون در حوزه ادبیات عامه و شفاهی ایران و در قالب «قصه ضامن آهو» شناخته شده است و بعد از «رضا» از مهم‌ترین القاب برای خطاب قرار دادن علی بن موسی (ع) امام هشتم شیعیان، خصوصاً در بین ایرانیان به شمار می‌آید. ضمانت در لغت به معنی کفیل شدن، بر عهده گرفتن چیزی است. ضمانت آهو در مقابل صیاد توسط امام رضا (ع) که نقطه اوج این قصه و تأکید آن را تشکیل می‌دهد؛ معانی دیگری چون تضمین، تعهد، تقبل چیزی در مقابل کسی، وثیقه و پایبندی را در برمی‌گیرد و گویای درون‌مایه اصلی روایت است. توجه به نکات تربیتی دین در حمایت از حیوانات دارای پیشینه‌ای از قرون اولیه اسلامی در بین مسلمانان است که کشف مفاهیم عمیق و مهم دینی نهفته در آن، علاوه بر رمزگشایی از قصه «ضامن آهو»، می‌تواند در شناخت اشکال مختلف تعامل و تأثیرپذیری از آموزه‌های دینی، در سایر امور مشابه نیز، مؤثر باشد. از طرفی مطالعه در باب قصه‌های عامیانه به واسطه ریشه داشتن در سنت‌ها و چیزهایی که عملاً رخ داده‌اند؛ شناخت بهتر

فرهنگ سرزمین‌ها و هویت ملت‌ها را در پی خواهد داشت. عدم توجه کافی در شناختن و شناساندن و تبیین ارزش‌های واقعی تربیتی و دینی موجود در مضامین ارزشمندی چون قصه حاضر، موجب درک این پدیده صرفاً در همان سطح رویین است. از این رو بررسی ارتباط متون دینی و قصه یادشده می‌تواند در راستای درک و شناخت مفاهیم عمیق (درون‌مایه) آن قرار گیرد؛ که از جنبه‌های ساختار بیرونی و اجزاء درونی قابل بررسی خواهد بود. این مباحث مبنای شکل‌گیری پرسش‌هایی در ذهن خواهد بود؛ که از جمله می‌توان اشاره نمود به: ۱- چيستی و چگونگی رابطه متون و آموزه‌های دینی-اسلامی و شیعی با شکل‌گیری «قصه ضامن آهو» ۲- ارتباط و تأثیرات احتمالی چگونگی و با کدام بخش از ساختار قصه صورت گرفته است. ۳- شناخت متون و آموزه‌های مرتبط با قصه چه تأثیری بر کیفیت محتوایی آن افزوده است. از این رو پیرو مباحث مطرح‌شده، پژوهش حاضر در جهت پر کردن این خلأ خواهد توانست گام‌هایی را هر چند کوچک، برداشته و در کنار آن بستر و زمینه توجه به این موضوع را برای سایر محققین ایجاد نماید.

## ۲-۱. روش پژوهش:

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، بنیادی و به لحاظ ماهیت داده‌ها در ردیف تحقیقات کیفی قرار دارد. بر این اساس در جهت تحقق فرایند درک معانی، واژگان، علائم و نشانه‌های موجود در این مسیر، روش توصیفی-تحلیلی را مورد استفاده قرار گرفته است. گردآوری مطالب نیز به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است. اما در راستای نیل به اهداف پژوهش، در ابتدا ضمن طرح «قصه ضامن آهو» و سپس اشاره به کلیت‌ها در ساختار، مضمون و مفهوم آن، به گردآوری و تحلیل رابطه آموزه‌های دینی که امکان مؤثری در شکل‌گیری قصه حاضر را داشته‌اند، پرداخته خواهد شد. در نهایت تحلیل یافته‌ها و اطلاعات موجود در جهت دستیابی به اهداف تحقیق و پاسخ به سؤالات، صورت خواهد گرفت؛ به گونه‌ای که دست‌یابی به پاسخ‌های مناسب و به همراه مصداق‌ها و معیارهای قابل استناد در قبال سؤالات تحقیق حاصل گردد.

## ۳-۱. پیشینه پژوهش:

بر اساس مشاهدات و مطالعات انجام شده، اشاراتی در خصوص بررسی قصه‌های عامیانه و همچنین دین به عنوان عامل اصلی یا بخشی از عوامل شکل‌گیری رویدادها، در متن سایر آثار پژوهشی به چشم می‌خورد؛ اما در این تحقیقات، اثری که مستقلاً به تحلیل و بررسی رابطه «آموزه‌های دینی» با ساختار و مفهوم در «قصه ضامن آهو» پرداخته باشد، یافت نگردید. از این نظر می‌توان تحقیق حاضر را در زمره اولین‌ها از این نوع دانست. این اتفاق از جنبه نو بودن می‌تواند خوب و از جنبه‌های کمبود منابع مطالعاتی کار تحقیق را دشوار نماید؛ اما تعدادی از مقالات موجود که حداقل به بررسی بخشی از مباحث تحقیق حاضر پرداخته باشند، یافت گردید که از جمله: پور جم و حسینی (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیل شناسی در شعر و نقاشی «ضامن آهو» در آثار سلیمی تونی و محمود فرشچیان (بر اساس نظریه‌ی دوران)» به مقایسه برداشت‌ها از یک قصه مشترک در دو فضای شعری و نقاشی پرداخته است. میر آقایی (۱۳۹۱) در مقاله: «تجلی قصه ضامن آهو در شعر فارسی»، به طرح قصه عامیانه ضامن آهو و مباحث پیرامون در اشعار پرداخته است. حسونند (۱۴۰۰)، در مقاله: «مقایسه ساختار و مفهوم در آثار نقاشی برگرفته از قصه ضامن آهو»، ضمن ذکر و بررسی قصه، به جهت تکمیل مباحث شناختی خود، در مواردی چند به برخی آموزه‌های دینی مرتبط اشاره نموده است؛ که این سه مورد مقاله از جمله مواردی هستند که به طور مستقیم به بررسی قصه ضامن آهو در حوزه شعر پرداخته‌اند. همچنین عزیزی (۱۳۹۶) در کتابی با عنوان «ضامن آهو» به گردآوری ماجراها و روایات مربوط به امام رضا (ع) و همچنین تجلی و مدح آن حضرت در اشعار شعرا در این خصوص پرداخته است. در صفحه ۴۲ همین کتاب، بدون ذکر منبع، به روایت این قصه عامیانه در حد یک پاراگراف اشاره شده است؛ که از جمله مطالعات موجود در این زمینه است. در حوزه ادبیات عامه نیز مواردی چند یافت گردید که با تخصیص دادن بخشی از مقاله خود به کمیت و کیفیت‌های قصه‌های عامیانه در اینجا قابل ذکر گردیده‌اند. از جمله آن‌ها: توسط جوکار (۱۳۹۰) با عنوان: دادخواهی در بیابان با تحلیل قصه‌های شکار (در برخی از متون و منظومه‌های ادب فارسی تا قرن هفتم) است که به ساختار بیرونی و محتوایی قصه‌های شکار مرتبط با دادخواهی می‌پردازد و با نسبت دادن صبغه آرمانی به آن‌ها، ختم آن‌ها را در پیامدهای خجسته می‌داند. مقاله: طاهری و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «اهمیت فرهنگ و ادبیات عامه»، تأثیرات ادبیات و فرهنگ عامه بر ادبیات و به‌طورکلی بر علوم مختلف را مورد بررسی قرار داده است. از دیگر منابع مهم در خصوص ادبیات عامه می‌توان اشاره کرد به: مقاله احمد وکیلیان

(۱۳۸۹)، با عنوان دانشنامه فرهنگ‌عامه ایران، مقاله محمد حنیف (۱۳۸۸) با عنوان: ویژگی‌های قصه‌های عامه فارسی و درنهایت، کتاب محمدجعفر محجوب (۱۳۸۲) با عنوان: ادبیات عامه ایران؛ که در بدنه مقاله از آن‌ها استفاده لازم به عمل خواهد آمد.

اما تحقیق حاضر در کنار توجه به کیفیت‌های نوع ادبی قصه در پی یافتن روابط تأثیرگذار بر شکل‌گیری اجزاء بیرونی و درونی این قصه بوده است که در نوع خود از اولین پژوهش‌های صورت گرفته در این خصوص به حساب خواهد آمد؛ به‌گونه‌ای که امکان پیوند روابط و تأثیرپذیری «قصه» از «متون دینی»، به‌دوراز توجه به سایر عوامل مؤثر بر شکل‌گیری یک پدیده، بررسی و تحلیل خواهد شد. این جهت‌گیری نوعی رویکرد تطبیقی هم به حساب خواهد آمد که تاکنون در تحقیقات پیشین موردتوجه قرار نگرفته است.

## ۲. ساختار عمومی قصه‌های عامیانه

تأکید بر رویداد به‌جای موقعیت مکانی و زمانی، پیام واضح و صریح، دارا بودن جنبه‌های اخلاقی- تربیتی و اجتماعی و داشتن مخاطب عام ازجمله خصوصیات مشترک در ساختار قصه‌های عامیانه است. قصه‌ها از نظر حجم و اندازه یکسان نبوده و در صورت به نگارش درآمدن، اندازه‌ی آن‌ها از چند سطر و چند صفحه تا چندین جلد متغیر خواهد بود؛ «روایت» نیز به‌عنوان اصل و اساس شناسایی یک اثر به‌عنوان قصه است. این نوع ادبی به‌عنوان بخشی از دانش مردمی یا فرهنگ‌عامه و معادل واژه «فولکلور» (حنیف، ۱۳۸۸: ۶) و صورتی از انواع ادبیات شفاهی عامیانه است که ساختاری ساده و ابتدایی دارد و حوادث آن بر محور یک ماجرای ساده می‌چرخد. برخی از صاحب‌نظران در تألیفات خود، قصه‌های عامیانه را در حالات، دیدگاه‌ها و زوایای مختلف به تعریف درآورده‌اند که در بسیاری از موارد به لحاظ کلیات به هم نزدیک و همسان هستند. ازجمله مهم‌ترین این موارد اشاره دارد که: قصه‌های عامیانه به «قصه‌های کهنی اطلاق می‌شود که به‌صورت شفاهی یا مکتوب در میان یک قوم از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۷۳). همچنین حنیف (۱۳۸۸)، مهم‌ترین مشخصه آن‌ها را «شفاهی بودن و وابسته نبودن و تعلق نداشتن آن‌ها به فردی خاص» (حنیف، ۱۳۸۸: ۷) می‌داند.

به عقیده «سید ابوالقاسم انجوی شیرازی»<sup>۱</sup> که وی را با عنوان «نگاهبان» قصه‌های ایرانی لقب داده‌اند، قصه گویاتر از تاریخ است، «زیرا لبریز از تخیلات و اوهام و سرشار از باورهای قومی و دینی جوامع و

آینه جهان‌بینی، آرزوها، بیم‌ها، امیدها و بیان‌کننده تلاش مداومی است که آدمیزاد برای رسیدن به مقاصد و مرادهای خود به کار بسته است؛ و از این رو «صادق‌تر» از تاریخ است... اغراض قومی و سیاسی آن را تیره نکرده است.» (محمدی، ۱۳۹۹: ایرنا)

## ۱-۲. قصه ضامن آهو<sup>۲</sup> و تقابل ساختار ظاهری آن با صحنه شکار حیوانات

در ساختار ظاهری قصه (ضامن آهو)، اجزاء و عناصر کلی روایتگر ماجرای شکار یک ماده آهو هستند که در آن، نخست با حضور امام (ع)، به صحنه ضمانت و نجات حیوان و در نهایت به نجات انسان ختم می‌گردد. تا بهانه‌ای برای مطرح نمودن کرامات امام و معصومین (ع) باشد. از این رو قصه حاضر با توجه به تأکید بر حمایت به جای شکار حیوانات، به نوعی در مقابل سنت کهن شکار حیوانات در ایران قرار می‌گیرد.

## ۲-۲. قصه ضامن آهو به عنوان مضمونی<sup>۳</sup> شیعی

بهره‌گیری از قصه‌ها در جهت آموزش و تفهیم مسائل دینی در دوره اسلامی سابقه‌ای طولانی دارد. بهترین نمونه‌ها برای این مبحث را در «قصه‌های قرآنی<sup>۴</sup>» می‌توان یافت؛ که به عنوان بخش‌های مهمی از آیات "قرآن کریم" و بیان‌کننده سرگذشت واقعی پیامبران و اقوام آن‌ها و همچنین برخی از موضوعات اخلاقی و تربیتی هستند. استفاده از این شیوه روایت در «قرآن» در جهت عبرت، بیان حقایق، تفکر در زندگی گذشتگان و به واسطه قدرت تأثیرگذاری آن صورت گرفته است. این در حالی است که تعاریف امروزی از قصه کمی متفاوت هستند و در کنار تأکید بر رویداد، به تحول و تکامل شخصیت‌ها توجه بیشتری دارند. اما قصه عامیانه شفاهی «ضامن آهو» به این صورت آمده است که: «روزی صیادی در بیابان آهویی را دنبال می‌کند. اتفاقاً امام رضا (ع) در آن نواحی بوده است و آهو به امام پناه می‌برد، امام حاضر می‌شود مبلغی را به آن شکارچی بپردازد تا او آهو را آزاد سازد ولی صیاد نمی‌پذیرد. در این هنگام آهو به زبان می‌آید و به امام می‌گوید من دو بچه شیرخوار دارم که گرسنه‌اند و چشم‌به‌راه‌اند و شما ضمانت مرا بکنید تا بروم و آن‌ها را شیر دهم و برگردم. امام هم ضمانت آهو را می‌کند و آهو می‌رود و به سرعت برمی‌گردد، شکارچی که این وفای به عهد آهو را می‌بیند و وقتی می‌فهمد که ضامن آهو، امام (ع) است، منقلب می‌شود و آهو را آزاد می‌کند» (میرآقایی، ۱۳۹۱: ۱۵). اما روایت مکتوب و

مرتبط با قصه که در عیون اخبارالرضا به آن اشاره گردیده است، مربوط به نجات و امنیت آهو در مقابل شکارچی است که زمان رویداد، بعد از وفات آن حضرت و در محل مدفن و مرقد ایشان روایت گردیده است. این اتفاق به این صورت آمده است که: «ابومنصور بن عبدالرزاق...گفت... در روزگار جوانی، نظر خوشی به طرفداران این مشهد (مرقد امام رضا) نداشتم و درراه، به غارت زائران می‌پرداختم، لباس‌ها، خرجی، نامه‌ها و حواله‌هایشان را به‌زور از آنان می‌ستاندم. روزی به شکار بیرون رفتم و آهویی را دیدم و یوز شکاری در عقب آن آهو فرستادم پس آن یوز پیوسته آن آهو را تعاقب کرد تا اینکه آن آهو به حیاط این مشهد پناه برد آهو ایستاد و یوز در مقابل او ایستاد و نزدیک آن آهو نمی‌رفت و آنچه اهتمام کردیم که یوز نزدیک آهو رود یوز نزدیک نرفت و چون آهو از موضع خود حرکت می‌کرد یوز آن آهو را تعاقب می‌نمود تا اینکه آهو داخل در صحن مشهد مقدس شد یوز در همان موضع بایستاد و پیش نرفت پس آهو داخل در حجره از حجرات صحن مقدس شد و من داخل در درگاه صحن شدم و بابی نصر مقری گفتم که آهویی که الآن داخل صحن شد در کجا است گفت آن راندیدم پس داخل شدم در مکانی که آهو داخل در آن مکان شده بود، پشک و اثر آهو را دیدم ولیکن آهو راندیدم نذر کردم که بعدازاین زوار را اذیت نکنم و به‌غیراز خوبی به ایشان متعرض ایشان نشوم و بعدازاین هر امری که از برای من رو می‌داد در این مشهد شریف می‌رفتم و گریه می‌کردم و آن بزرگوار را زیارت می‌کردم و حاجت خود را از خدا سؤال می‌کردم خدا حاجت مرا برمی‌آورد» (شیخ صدوق، ۱۳۷۳، ج ۲: ۵۳۸). در تائید احتمال و امکان بهره‌گیری و ارتباط برخی از روایات با شکل‌گیری قصه ضامن آهو می‌توان به ارتباط پدیده‌ها و خاستگاه آن‌ها اشاره نمود، به این معنی که: قصه «می‌تواند مبتنی بر امور واقع باشد و نزدیک‌ترین انطباق ممکن رابین حوادث داستان و چیزهایی که عملاً در جهان رخ داده‌اند، حفظ کند، یا بسیار تخیلی باشد...» (میر صادقی، ۱۳۸۳: ۱۲۰). این در حالی است که در خصوص آزاد کردن آهوی دربند شکارچی توسط پیامبر (ص) در بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۴۰۲، حدیث ۱۹،<sup>۵</sup> روایتی مشابه با ماجرای «ضامن آهو» ذکر گردید است. اهمیت موضوع اخیر در بین اهل تسنن به اندازه‌ای است که از پیامبر به‌عنوان ضامن آهو یاد می‌گردد.

۳-۲. تعامل قصه ضامن آهو با متون و رخدادهای دینی در ساختار بیرونی و اجزاء درونی

«قصه ضامن آهو» نه به عنوان یک واقعیت تاریخی و یا سرگذشت، بلکه به عنوان برداشتی کلی از آموزه‌های دینی و تربیتی و برخی رویدادهای تاریخی مشابه و تعلق به حوزه ادبیات شفاهی عامه، طیف گسترده‌ای از مباحث اخلاقی و تربیتی را در بر می‌گیرد. این «قصه» از جنبه‌های تأثیرپذیری و تعامل با آموزه‌های دینی در ساختار بیرونی و اجزاء درونی قابل بررسی و تحلیل است؛ که در ذیل به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

#### ۴-۲. دور افتادن از همراهم بهانه‌ای برای دادستانی مظلوم

حضور ضامن آهو در این قصه تنها و بدون هرگونه همراهی در محل رویداد روایت گردیده است؛ این در حالی است که در روایات و متون مختلف دینی-تاریخی همواره افرادی امام را در برگرفته‌اند. این حالت مختص به شکل حضور شخصیت‌ها در قصه‌ها به طور کلی است که آن را می‌توان به طور مشخص در مثال آورد. از جمله این موارد، پیشینه ادبی تنهایی در «قصه‌های عامیانه شکار» مربوط به «قرن‌های ششم و هفتم هجری» هم قابل پیگیری است. «در برخی از منظومه‌های عرفانی و تعلیمی فارسی، قصه‌های کوتاهی دیده می‌شود که از چهارچوب یکسانی برخوردار است. در این قصه‌ها پادشاه در شکارگاه به دلایل نامعلوم، از همراهم جدا می‌ماند و در بین راه، یکی از اهالی... سر راهش سبز می‌شود» (جوکار، ۱۳۹۰: ۵۳)؛ و ادامه ماجرا... که به دادستانی حق مظلوم از ظالم طی خواهد شد.

#### ۵-۲. قصد شکار آهو توسط شکارچی و پناه بردن آهو به امام

در دین اسلام اعتقاد به داشتن قوای درک و روح برای حیوانات پذیرفته شده است، چنانچه در تفسیر *المیزان* این گونه به آن اشاره می‌شود که: «حیوانات هم مانند انسان دارای عقاید و آرای فردی و اجتماعی هستند... در اجتماعات حیوانی هم مانند اجتماعات بشری، فطرتاً ماده و استعداد پذیرفتن «دین الهی» وجود دارد. همان فطرتی که در بشر سرچشمه دین الهی است و وی را برای حشر و بازگشت به سوی خدا قابل و مستعد می‌سازد، در حیوانات نیز هست» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۱۰۳).

این نقل قول نماینده بخش عمده‌ای از تعاریف اخلاقی و مواضعی است که انسان مسلمان باید در قبال حیوانات اتخاذ نماید؛ که با جزئیات و سفارش‌ها موردی از طرف پیامبر اسلام و سایر معصومین و بزرگان دین همراه است. قصد شکار از طرف شکارچی آهو را به دامان و پناه امام رضا (ع) هدایت



می‌کند، اما پناه بردن آهو به امام در آن شرایط خطرناک و ترس آور می‌تواند مصداق و استعاره‌ای از وجوه نمادین فطرت خداجویی و تمسک به دین الهی باشد که در ذات همه موجودات می‌تواند ساری و جاری است. این در حالی است که پناه بردن آهو به امام در این قصه، درست نکته مقابل ویژگی‌های ذاتی و طبیعی «آهو» یعنی ضعف و رمندگی و ترس از آدمی است. همچنین چشمان زیبا، رمندگی، تیز تکی، ضعف و ترس از آدمی، از ویژگی‌های این حیوان است که در متون ادبی و عرفانی کاربرد تشبیهی دارد و به مسئله فنا و بقای درویش اشاره می‌نماید. «مولانا فنای عارف در برابر حق تعالی را به بیهوشی آهو در برابر شیر تشبیه کرده است» (تاجدینی، ۱۳۸۸: ۶۴-۶۶).

پیش شـیر آهوی بی‌هوش شد      هستی‌اش در هستت او روپوش شد

(مولانا، ۱۳۸۸: ۴۷۶)

گناه چشم‌سیاه تو بود و گردن دلخواه      که من چو آهوی وحشی ز آدمی برمیدم

(حافظ، ۱۳۸۷: ۲۶۶)

## ۶-۲. فهم زبان حیوانات و سخن گفتن امام با آهو

بنا بر متن قصه، گفتگوی میان امام (ع) و آهوی گرفتار در دام صیاد صورت گرفته است که به واسطه درک زبان حیوان از طرف امام این امر میسر گردیده است؛ این نکته اشاره دارد به قدرت فهم زبان آهو و درک فهم زبان حیوانات توسط امام. در گفتگوی صورت گرفته، دلیل اصرار برای زنده ماندن از طرف آهو مشخص می‌گردد. این نکته «گفتگو» مصداق بیرونی و روایی دارد؛ از جمله: «سلیمان جعفری روایت کرده که گفت: در خدمت حضرت رضا (ع) بودم در بستانی... ناگاه گنجشکی آمد مقابل آن حضرت بر زمین و شروع کرد به صیحه زدن و اضطراب کردن، حضرت فرمود ای فلانی میدانی که این عصفور چه می‌گوید: گفتم نه فرمود: می‌گوید که ماری می‌خواهد جوجه‌های مرا بخورد، این عصا را بردار و داخل بیت شو و بکش مار را. سلیمان گفت عصا را بر دست گرفتم و داخل بیت شدم دیدم ماری بر جولان است. پس کشتم مار را» (قمی، ۱۳۷۷: ۸۸۳).

برای درک دلایل اینکه در این ماجرا امام به کشتن مار امر نموده‌اند و این که چه پشتوانه‌ای دارد به عبارتی دیگر پیش متن آن چیست؛ می‌توان اشاره کرد به این حدیث نقل شده از رسول خدا که: «حضرت رضا (ع) از علی بن ابی‌طالب (ع) روایت کرده که رسول خدا (ص) فرمود: هرکسی که

ماری را بکشد مثل اینکه کافری را کشته است» (عطاردی قوچانی، ۱۳۹۷ ق: ۸۴۱). این حدیث بخشی از پیوستگی اعمال و کردار معصومین (ع) در قبال حیوانات را یادآور می‌شود، به این صورت که: چون در قرآن آمده است یا پیامبر فرموده است و یا...،

در حدیث شاهد دیگر با همین منظور که عمل امام رضا (ع) را تائید می‌نماید؛ «ابن عباس می‌گوید: رسول خاتم صلی الله علیه و آله از کشتن هر جاننداری نهی فرمود؛ مگر آنکه جانور موذی باشد و آزار برساند [آن‌هم به روشی نیکو]» (متقی هندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵: ۳۹).

همچنین دیگر موارد مشابه قابل ذکر: سخن گفتن امام سجاد (ع) با آهو<sup>۶</sup> و گنجشک و... است و در کتب معتبری چون بحارالانوار، عیون الاخبار الرضا و... آمده است که درک آن‌ها در اعتبار بخشی به قصه ضامن آهو می‌تواند مؤثر باشد و ریشه‌های دینی و رفتاری آن را در ارتباط با متن قصه بیشتر نمایان سازد.

## ۷-۲. گفتگوی امام و صیاد و دعوت به عدم شکار آهو

شاید بتوان گفت که دعوت صیاد به صرف نظر کردن از شکار آهو را به‌عنوان بخشی اصلی از قصه دانست که غایت طرح قصه را شامل می‌شود. این بخش از قصه در قالب گفتگو و مذاکره، خود می‌تواند نمودی از جلوه‌ای نمادین از دعوت به ایمان و بخشش، بر اساس دستورات برگرفته از متون دینی باشد؛ به‌گونه‌ای که رسول خدا (پیامبر اسلام) اصل شکار کردن را به‌نوعی «منکر» دانسته و می‌فرماید: «هرکسی به دنبال شکار رود (شکارچی)، غافل می‌گردد» (قضاعی، ۱۳۶۱: ۴۴۱). طبرسی نیز به نقل از کتاب محاسن (مجالس) از امام صادق علیه‌السلام در میزان زشتی و گناه بودن شکار حیوانات (۱) آورده است که: «أقذر الذنوب ثلثة قتل البهیم هو حبس مهر المرأ هو منع الجیر أجرة: پلیدترین گناهان ۳ تا هستند: کشتن حیوانات، حبس نمودن مهر زن و نپرداختن دستمزد اجیر» (طبرسی، ۱۴۱۲ ق: ۲۳۷).

درجایی دیگر پیامبر در خصوص مضرات معنوی شکار برای مؤمنان فرموده‌اند: «هیچ شکاری صید نمی‌شود، مگر اینکه يك تسبیح گوی کم می‌شود؛ ...» (دمیری، ۱۴۰۹ ق، ج ۲: ۱۷۶). از این رو در مجموع می‌توان دریافت کلی از متون و احادیث را در جهت حمایت از حیوانات و عدم شکار بی‌مورد آن‌ها دانست که در این گفتگوی امام و صیاد مورد تأکید بوده است. بر این اساس برداشت کلی از متون

دینی اسلامی نشان می‌دهد که تعرض و کشتن حیوانات کار پسندیده‌ای نیست و اسلام به همان نسبت قائل شدن حق حیات برای انسان‌ها به فراخور حال حیوانات نیز، همین حق را محترم شمرده است. همچنین از جمله مهم‌ترین موضوعات در این خصوص استناد به آیه شریفه ۱۶ سوره «نمل» است که در آن از زبان سلیمان نبی آمده است که: «وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ»، «ای مردم، ما را زبان مرغان آموختند». گفتگوی دوطرفه در میان آهو و امام مورد اشاره است و کاربردی در پیشبرد قصه دارد. این نوع گفتگو در نظر میر صادقی؛ «عمل داستانی را در جهت معین پیش می‌برد». (میر صادقی، ۱۳۸۰: ۴۸۱).

## ۲-۷. ضمانت آهو

ضمانت در لغت به معنی ضامن شدن، کفیل شدن، بر عهده گرفتن چیزی است، به اصطلاح می‌توان ضمانت را تضمین، تعهد، تقبل چیزی در مقابل کسی، گرو، وثیقه و پابندی به چیزی تعریف کرد. علی‌رغم اهمیت موضوع و باوجود تأکید عنوانی و موضوعی قصه بر ضمانت حیوان (به‌عنوان واژه کلیدی) توسط امام، تقریباً هیچ شاخصه و تأکید یا و یا واژه نمادینی به‌طور اختصاصی توجه بیشتر به این بخش به کار بسته نشده است؛ و این مهم را صرفاً به‌صورت قرار گرفتن آهو و دو بچه وی در سایه و پناه امام مورد اشاره قرار گرفته است. در اینجا ضمانت با انگیزه دفاع نمادینی از مبانی دینی و حق مظلوم است. سلیمی تونی در بیان شرایط پس از رفتن آهو و تهدید شکارچی مبنی بر ریختن خون امام در صورت عدم بازگشت آنچه را که ضمانت کرده است، در ولایت نامه<sup>۷</sup> خود از زبان امام با ایجاد یک رابطه «بینامتنی»<sup>۸</sup> به واقعه عاشورا و پررنگ‌تر نمودن نقش دین، این‌گونه آورده است که:

شاه غریب گفت به صیاد، جد من      بخشید بهر دین، سرخود را به دشمنان

(سلیمی تونی، ۱۳۹۰: ۳۵۷).

و با این اشاره عمل امام به‌عنوان دفاع تا سرحد فدا کردن جان برای احقاق حق مظلوم معرفی می‌کند.

## ۲-۸. بازگشت آهو، درک ماجرا و شناخت امام از طرف شکارچی و ابراز پشیمانی

آهو پس از شیر دادن به فرزندان خود برمی‌گردد. این «وفای به عهد» و بازگشت به عهد آن‌چنان اهمیتی دارد که خداوند در قرآن بارها نسبت به آن توصیه فرموده است. شکارچی متأثر از این اتفاق، ضمن

درک ماجرا و محضر امام، تغییر موضع می دهد. تأکید بر این جزء از قصه، به جهت تحلیل بخشی اصلی و بااهمیت از نتایج اخلاقی قابل استخراج از متن، نشان دهنده ضرورت، اهمیت و جایگاه دینی «وفای به عهد» خواهد بود. به این ترتیب در متن قصه با از بین رفتن نشانه‌های پلیدی طمع و رام شدن نفس سرکشی که تعلیم پذیرفت و در نتیجه بروز نشانه‌های پشیمانی، صیاد به قصد نجات به امام متوسل می شود. این مهم را نیز سلیمی تونی در دیوان خود در (ولایت نامه) این گونه مورد تأکید قرار داده است که:

از صدق توبه کردم و هستم امیدوار بشماریم زخیل محبان خاندان

(سلیمی تونی، ۱۳۹۰: ۳۵۸).

اسرار برشکار آهو، به مانند اسرار بر گناه، می توانسته است به عنوان بهانه‌ای برای طرح یک موضوع و مضمون دینی دیگری با موضوع ارشاد و توبه پذیری با ایجاد فضا و زمینه برای القاء احساس برگرفتنی از یک واقعیت تاریخی باشد. از این رو در این قصه در نهایت شکارچی بعد از درک محضر امام و ابراز پشیمانی، چهره‌ای مثبت، متعادل و منطقی از خود نشان داده و در جهت نشان دادن پشیمانی خود از این جریان، آهو را آزاد می کند؛ که نشان دهنده نتایج تحولات روحی عمیقی در وی است. اهمیت پشیمانی از گناه به اندازه‌ای است که در این خصوص در حدیثی از پیامبر بزرگ اسلام نقل است که: «النَّدْمُ تَوْبَةٌ: پشیمانی از گناه، خود، توبه از گناه است» (حرانی، ۱۳۹۳: ۵۵).

## ۹-۲. ارتباط ساختار بیرونی قصه با آموزه‌های دینی

بنا بر آنچه از بررسی ارتباط ساختار بیرونی قصه با آموزه‌های دینی برمی آید، می توان این گونه نتیجه گیری نمود که: متون دینی مرتبط با این بخش از قصه در دو گروه کلی قابل تفکیک خواهند بود؛ گروهی که به طور کلی و عمومی بر منع آزار و از بین بردن حیوانات، مانند موجود روح دار، به استثنای موجودات موزی، هر حیوان پرنده یا غیر آن که به ناحق کشته شود، تأکید دارند؛ و گروهی دیگر بانام بردن از موجود خاصی به مقصود خود اشاره می نمایند. این هر دو گروه بیشتر در قالب حدیث و روایات ذکر شده در خصوص رفتار پیامبر و معصومین در اشارات مستقیم و یا معانی قابل استنباط از آن‌ها است. از مهم ترین ویژگی های این متون به طور کلی، اشاره به گروه و یا دسته ای خاص از حیوانات و یا نام بردن از حیوان (مثلاً: آهو، گنجشک، اسب و...) است. به طور مثال این مبحث در روایاتی

نقل شده از پیامبر مبنی بر: «هرکس گنجشکی را بدون دلیل بکشد خداوند در روز قیامت از آن سؤال می‌کند» (رازی، ۱۴۲۰: ۵۲۵)، عذاب زنی در آتش جهنم به دلیل آزار گربه و محبوس کردن آن (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۴۷) <sup>۹</sup>، لعنت فرستادن پیامبر بر کسانی که «... مرغ زنده‌ای را قرار داده و به آن (تیر) پرتاب می‌کردند» (زاوندی، بی‌تا: ۳۳) و یا... قابل پیگیری است.

### ۱۰-۲. اجزاء درونی قصه (مفهوم و مضمون)

در قصه ضامن آهو بر جنبه‌های تربیتی و پندآموزی آن در کنار توجه دادن به آموزه‌های دینی تأکید گردیده است. رفع ستم، دادخواهی از مظلوم، نجات انسان از ظلمت به روشنایی و نور از جمله این موارد است که در گفتگوی امام و صیاد گنجانده شده است. ایجاد شرایطی که در آن تشخیص حق دشوار است (حق حیات برای آهو و حق شکار برای شکارچی)، معرفی و تثبیت جایگاه امام معصوم، اثبات حقانیت در دفاع از مظلوم با ارجاع به واقعه عاشورا، تبیین نگاه آموزه‌های دینی در خصوص حمایت از حیوانات را نیز می‌توان از جمله این مفاهیم و مضامین قابل برداشت و استنباط دانست.

### ۱۱-۲. روابط در اجزاء درونی (مفهوم) قصه با آموزه‌های دینی

در بررسی و مطابقت اجزاء درونی (مفهوم) قصه اشاره عمومی به هدایت انسان در این بخش قابل تشخیص است. در اینجا رفتار انسانی با منع از بدی و تشویق به احسان و مفاهیم کلی برگرفته از آن مورد نظر است. از منظر لغوی احسان در نقطه مقابل بدی و آزار رساندن و در کنار معروف آمده است و با توجه دادن به ارزش‌های انسانی، بخشش، پشیمانی از گناه، انقلاب درونی و... مورد تأکید قرار گرفته است. دعوت شکارچی به صرف نظر کردن از شکار آهو، می‌تواند جلوه‌ای نمادین از دعوت به ایمان، نیکی و بخشش بر اساس فرمان الهی و هدایت در برابر اسرار به گناه، باشد. «قران کریم» با توجه به کارکردهای زیاد احسان و بخشش در عرصه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی، معنوی، در بیش از صد مورد احسان و نیکوکاری را مورد تأکید قرار داده است. به طور مثال در آیه «سوره نحل آیه ۹۰» می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (النحل، ۹۰)»؛ «خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید!» (ترجمه:

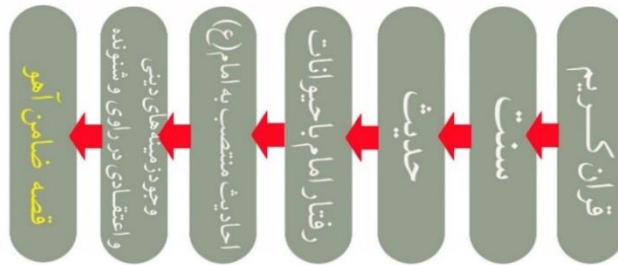
فولادوند، (۱۳۷۶). خداوند در قرآن به نیکی و بخششی اشاره دارد که می‌تواند سایر اعمال انسان را در برگیرد و اخلاق و تربیت و حدود آن را مشخص می‌نماید. در بخش اول آیه دعوت است که می‌فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ» گذشت پیشه کن و به [کار] پسندیده فرمان ده و در بخش دوم هشدار و مراقبت: «وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»؛ و از نادانان رخ برتاب. (اعراف/۱۹۹/۷).

ساختار بیرونی قصه مقدمه‌ای برای سوق دادن مخاطب به محتوا و مضامین اصلی قصه است. گفتگو و مذاکره در جهت نجات آهو، پوسته و سطح رویین قصه است و وجود حیوان شکار بهانه‌ای برای شروع گفتگو و پند و اندرز است. آهو باز می‌گردد و این نقطه اوج تأثیر سخنان امام بر شکارچی است، یعنی برهان قاطع (وفای به عهد)، نشانه و دلیل متقن وارد می‌شود و شکارچی قانع و تسلیم می‌گردد، نفس سرکش چیره می‌شود و دیگر عذری نزد امام ندارد. نقطه اوج و هدف غایی قصه (پشیمانی از گناه در برابر برهان قاطع) محقق می‌گردد؛ که در نهایت به قیام و انقلاب درونی انسان منتهی می‌گردد. مراد از قیام، قیام درونی و باطنی است برای به پا خواستن و درون خود را تطهیر و تحوّل بنیادی ایجاد کردن است. انقلاب درونی به معنای دعوت به یک تحوّل، یک تغییر باطنی، قلبی، روحی و بنیادی است. دگرگونی یا تغییر یک مفهوم عام است در جهت مثبت؛ و تغییر هدفمند تحول را در پی دارد؛ اما آنچه اهمیت «وفای به عهد» در این قصه را بیشتر نمایان می‌سازد، تأکید خداوند متعال در قرآن بر این مقوله است که در موارد متعدد (مؤمنون/۸)، (بقره/۱۷۷، ۸۰)، (مریم/۵۵)، (اسراء/۳۴)، (توبه/۱۱۱، ۴)، (رعد/۲۰)، (مائده/۱) و... است. عهد معادل پیمان، قول و وعده است و نوعی قرارداد است که بین دو نفر یا دو گروه یا چند نفر و چند گروه یا بین امت و امام (به‌عنوان بیعت) بسته می‌شود که اگر به‌طور مشروع و صحیح باشد حتماً باید به آن پایبند بود.

## ۱۲-۲. شکل کلی قابل ترسیم در روابط آموزه‌های دینی و قصه ضامن آهو

از جمله دیگر موارد قابل تعمق و بررسی حاضر، تأکید بر روابط طولی در یک پدیده است. این رابطه با عناوینی چون «درزمانی»<sup>۱۰</sup> هم شناخته شده است؛ درست به‌مانند آنچه «سلسله سند» حدیث «سلسله الذهب» را از زبان امام رضا (ع) روایت می‌کند. بخشی از «سلسله سند» به این صورت است که می‌فرماید: «از پدرم امام کاظم علیه‌السلام و او از پدرش امام صادق علیه‌السلام و او از پدرش امام باقر علیه‌السلام و او از پدرش امام سجاد علیه‌السلام و او از پدرش امام حسین علیه‌السلام و او از پدرش امام علی علیه‌السلام و او از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌واله‌وآل‌ه‌وسلمت از حضرت زین‌العابدین و جبرئیل

از خدای تعالی این حدیث را بیان می‌کند که...» (شیخ صدوق، ۱۳۹۸: ۲۴-۲۵). به پیروی از این حدیث اگر سلسله مراتب وجود و حضور متون دینی و وقایع تاریخ-دینی را در قالب تأثیر یکی بر دیگری، در یک رابطه طولی به‌مانند آنچه در نمودار (۱) ترسیم گردیده است، درنهایت غایت آن، شکل‌گیری قصه ضامن آهو خواهد بود.



نمودار (۱) روابط «فرضی» طولی (در زمانی) در عوامل و شرایط شکل‌گیری قصه ضامن آهو (منبع نگارنده)

### ۳. نتیجه‌گیری

در بیان نوع رابطه آموزه‌های دینی با «قصه ضامن آهو»، می‌توان به‌طور مشخص آموزه‌های دینی را به‌عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر در شکل‌گیری ساختار و مفهوم در «قصه ضامن آهو» دانست؛ که در گام اول و در سطح رویین خود اشارات مستقیم و صریحی به موضوع عدم شکار حیوانات و همچنین ایجاد مسئولیت در قبال آن‌ها را ارائه می‌نمایند؛ و در گام دوم به مفاهیم عمیق دینی مرتبط با اخلاق اسلامی و انسانی اشاره دارند. بررسی‌ها نشان از آن دارد که: ساختار بیرونی قصه دارای روابط مستقیم و تنگاتنگی با احادیث و رویدادهای مرتبط با پیامبر (ص) و معصومین (ع) بوده و اشارات موردی را در برمی‌گیرند، بدین معنا که بر طبق روایات مصداق‌های متعدد رفتاری منتسب به ایشان برای توجیه رفتار امام در متن قصه قابل ذکر و انطباق است. همچنین در یک نگاه دقیق‌تر، ساختار درونی (مفهوم)، برگرفته و در ارتباط با متون اولیه اصلی اسلامی (قرآن) و برخی روایات و احادیث است؛ که اشارات کلی (اخلاقی) را شامل می‌شود. لذا با استناد و اتکا به شکل روابط مثبت و سازنده آموزه‌های اسلامی و شیعی، ارتقاء کیفی ساختار کلی در قصه پیامد این ارتباط بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که قصه حاضر، برداشتی کلی از متون دینی-اسلامی و شیعی در طول یک دوره تاریخی ظهور اسلام تا شهادت امام رضا (ع) است؛ که به‌واسطه شرایط تفسیر و ترجمه و تغییر در نظام نشانه‌ای خود،

سرانجام به یاری ذوق و خیال و برخی از باورهای ملی و قومی در قالب یک پدیده (قصه) یا شکلی از یک رویداد؛ خود را نمایان ساخته است و «قصه» در زمانی بعید، پس از شهادت آن حضرت ساختار کنونی را یافته است. این پیوند دینی، قصه و باورپذیری آن را در پی داشته است. همچنین مشخص گردید؛ قصه ضامن آهو علی‌رغم استفاده از تخیل زیاد در بستر نوع ادبی خود، به واسطه حضور شخصیت دینی - تاریخی شناخته شده، پیام صریح اخلاقی و وجود مصداق‌های تاریخی و روایی از امکان ارتقاء مضمون و باورپذیری بالایی برخوردار خواهد بود؛ که این امر مشروط به گسترش مطالعات در این زمینه و انتشار نتایج حاصل از آن‌ها خواهد بود.

### پی‌نوشت

- ۱- نویسنده کتاب مجموعه «قصه‌های ایرانی»؛ در قالب کتاب پنج‌جلدی: «گنجینه فرهنگ مردم، تهران: امیرکبیر؛ ۱۳۵۲؛ ج ۱-۵» و متولد ۱۳۰۰ خورشیدی در شیراز است. به علت عدم دسترسی به این منبع، صرفاً به نقل افکار نویسنده به دلیل جایگاه و اهمیت وی در زنده نگاه داشتن قصه‌های ایرانی (نگاهبان قصه‌های ایرانی) و نیز تأکید دکتر محمدجعفر محجوب بر اهمیت ایشان در کتاب «ادبیات عامه‌ی ایران» جلد سوم و به کوشش حسن ذوالفقاری، نظرگاه وی به این صورت مورد اشاره قرار گرفته است.
- ۲- چشمان زیبا، رمندگی، تیزکی، ضعف و ترس از آدمی، از ویژگی‌های این حیوان است. «مولانا فنای عارف در برابر حق تعالی را به بهوشی آهو در برابر شیر تشبیه کرده است». (تاج‌دینی، ۱۳۸۸: ۶۴-۶۶)
- ۳- در منابع مختلف ادبی، مضمون، با مواردی چون: «بن‌مایه اثر» (رضایی، ۱۳۸۲: ۲۱۴) و «درون‌مایه اثر» (داد، ۱۳۷۱: ۱۳۱) و در مواردی نیز با: «محتوا» (راد فر، ۱۳۶۸: ۹۹۸) مترادف دانسته شده است؛ که معمولاً در ظاهر و روینا دیده نمی‌شود. حاجیان (۱۳۹۶) معتقد است: اجماع و توافقی نسبی در زمینه تعریف مضمون وجود ندارد؛ بنابراین نتیجه‌گیری می‌کند که: «مضمون» را می‌توان: «یکی از دشوارترین و پیچیده‌ترین مفاهیم در ادبیات فارسی دانست» (حاجیان، ۱۳۹۶: ۲۵۰)
- ۴- قرآن مجید به همه مزایای داستانی توجه داشته است. این کتاب آسمانی خود به بیان قصه‌های گذشتگان پرداخته و در برخی موارد معارف الهی و جهان‌بینی خود را در ضمن آن‌ها بیان کرده است. نقل قصه، تمثیل (مثل زدن)، بشارت و اندرز، الگودهی (نمونه و سرمشق)، موعظه و نصیحت و... از جمله روش‌هایی است که در قرآن برای هدایت انسان مورد استفاده قرار گرفته است.
- ۵- روزی پیامبر اکرم صلی‌الله‌واله در صحرا راه می‌رفت که ماده آهویی به بند افتاده را دید، آهو گفت: «یا رسول‌الله!» حضرت فرمود چه حاجتی داری؟ ماده آهو گفت: «این عرب مرا شکار کرده و در این کوه، دو بچه کوچک دارم، بگو مرا آزاد کند تا بروم آن‌ها را شیر دهم و برگردم». حضرت فرمود: «به عهده عمل می‌کنی؟» آهو گفت بلی! اگر عمل نکردم خدا مرا ده برابر عذاب کند. شکارچی آهو را آزاد کرد. آهو رفت و بچه‌هایش را شیر داد و برگشت و شکارچی آهو را در بند کرد و به حضور پیامبر آورد و در



مخضر آن حضرت، آزادش کرد. آهو درحالی که می‌رفت، می‌گفت: اشهد ان لا اله الا الله و انک رسول الله». (مجلسی، ۱۴۰۳ ق. ج، ۱۷، حدیث ۱۹: ۴۰۲)

۶- در روایتی، امام باقر فرمود: روزی پدرم با جمعی از اهل بیت و اصحابش از شهر خارج شد. در راه، امام دستور داد سفره غذا را پهن کنند. در این حال آهویی از صحرا جلو آمد و صدایی کرد و به پدرم نزدیک شد. اصحاب پرسیدند: «یابن رسول الله، این آهو چه می‌گوید؟» امام فرمود: «سه روز است غذا نخورده و شکایت دارد. با او کار نداشته باشید تا او را برای غذا صدا کنم». آنان قبول کردند و امام او را دعوت نمود. آهو نیز مشغول غذا خوردن شد. در این هنگام یکی از اصحاب دستش را بر پشت او گذاشت و آهو فرار کرد. پدرم فرمود: «مگر نگفتم کاری با او نداشته باشید؟» آن مرد سوگند خورد که این کار را تکرار نکند. امام دوباره آهو را فراخواند. آهو برگشت و غذا خورد تا سیر شد. سپس صدایی کرد و رفت. اصحاب پرسیدند: «یابن رسول الله چه گفت؟» فرمود: «برای شما دعا کرد و رفت». (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۶: ۲۵-۲۶)

۷- «ولایت نامه» گونه ادبی کمتر شناخته شده در ادبیات دینی و در حوزه شعری شیعی است که در یک بازه زمانی به شکوفایی رسید و قالب قصیده دارد... «تاج الدین حسن بن سلیمی تونی (متوفی ۸۵۴ ق)، نخستین شاعری است که این ماجرا را در قصیده‌ای بانام «ولایت نامه» به نظم درآورده است» (پور جم، حسینی، ۱۳۹۷: ۶۴). **خاوران نامه**، مشهورترین ولایت نامه فارسی سروده ابن حسامِ خوشنوی در قرن نهم است.

۸- بینامتنیت یا متن پنهان (Intertextuality) «: شکل‌گیری معنای متن توسط متون دیگر است. این می‌تواند شامل استقراض و دگردیسی متنی دیگر توسط مؤلف یا ارجاع دادن خواننده به متنی دیگر باشد.

۹ عن النبي أنه قال: «اطلعت ليلة اسرى بي على النار فرأيت امرأة تعذب، فسألت عنها، فقيل: انها ربطت هرة ولم تطعمها ولم تسقها ولم تدعها تأكل من حشائش الأرض حتى ماتت فعذبها بذلك»

۱۰- این مبحث توسط ژرار ژنت نظریه پرداز فرانسوی مطرح گردیده است و لازمه آن قرارگیری پیش متن‌ها «در یک فرایند تاریخی یکی بر دیگری...» (ربیعی، ۱۳۹۳: ۲۷۵). است.

## فهرست منابع:

قران کریم (۱۳۷۶). ترجمه فولادوند. محمد مهدی. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.  
پور جم، سحر، حسینی، مریم (۱۳۹۷). تخیل شناسی شعر و نقاشی «ضامن آهو» در آثار سلیمی تونی و محمود فرشچیان. دوره ۹. شماره ۷. صص ۵۹-۷۱.  
تاجدینی، علی (۱۳۸۸). فرهنگ نمادها و نشانه‌ها در اندیشه مولانا. چاپ دوم. تهران: سروش.  
جوکار، نجف (۱۳۹۰). دادخواهی در بیابان با تحلیل قصه‌های شکار (در برخی از متون و منظومه‌های ادب فارسی تا قرن هفتم). فصلنامه بوستان ادب. سال سوم. شماره ۱. صص ۵۳-۷۳.

- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۷). دیوان حافظ. قزوینی-غنی. چ هفتم. با مجموعه تعلیقات و حواشی علامه محمد قزوینی. به اهتمام ع. جریزه‌دار. تهران: اساطیر.
- حاجیان، خدیجه (۱۳۹۶). تأملی زبانی در مضمون و شگردهای مضمون‌سازی در شعر فارسی. دو ماهنامه جستارهای زبانی. شماره ۲. صص ۲۴۹-۲۷۵.
- حرانی، ابو محمد (۱۳۹۳). تحف العقول عن آل الرسول (ص). ترجمه: صادق حسن‌زاده. قم: آل علی حنیف، محمد (۱۳۸۸). ویژگی‌های قصه‌های عامه فارسی. فصلنامه فرهنگ مردم ایران. شماره ۱۷. صص ۳-۱۱۸.
- داد، سیما (۱۳۷۱). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: نشر مروارید.
- دمیری، کمال‌الدین (۱۴۰۹ ق). حیات الحیوان الکبری. بیروت: نشر دارالفکر.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴). زبان و ادبیات عامه مردم ایران. تهران: سمت.
- رضایی، عربعلی (۱۳۸۲). واژگان توصیفی ادبیات. چاپ اول. تهران: فرهنگ معاصر.
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۶۸). فرهنگ بلاغی-ادبی. جلد ۱، تهران: اطلاعات.
- ریبعی، هادی (۱۳۹۳). جستارهایی در چیستی هنر اسلامی (به اهتمام). چاپ ششم، تهران: متن.
- رازی، فخرالدین (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- راوندی کاشانی، فضل‌الله بن علی (بی‌تا) النوادر. قم: دار الکتب.
- سلیمی تونی، تاج‌الدین حسن بن سلیمان (۱۳۹۰). دیوان سلیمی تونی؛ به کوشش عباس رساخیز. با مقدمه حسن عاطفی. تهران: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۳). عیون اخبار الرضا (ع). ترجمه حمیدرضا مستفید و علی‌اکبر غفاری. جلد دوم. چاپ اول. تهران: صدوق.
- (۱۳۹۸). التوحید. چاپ اول قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۶). المیزان فی تفسیر القرآن. جلد ۷. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۸). التبیان فی تفسیر القرآن. تهران: ذوی‌القربی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ ق). مکارم الاخلاق. قم: نشر شریف رضی.
- عطاردی قوچانی، عزیز الله (۱۳۹۷ ق). اخبار و آثار حضرت امام رضا (ع). تهران: کتابخانه صدر.

قمی، حاج شیخ عباس (۱۳۷۷). منتهی الامال. چاپ نهم. (بی جا): چاپخانه احمدی.

قضاعی، قاضی (۱۳۶۱). شهاب الاخبار. کلمات کوتاه پیغمبر خاتم صلی الله علیه و اله. با شرح فارسی سید جلال‌الدین ارموی محدث. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.

متقی هندی، حسام‌الدین (۱۴۰۹ ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. چاپ دوم. جلد ۱۵. بیروت: انتشارات مؤسسه الرسالة.

میرآقایی، سید هادی (۱۳۹۱). ضامن آهو و تجلی آن در شعر فارسی. فصلنامه فرهنگ مردم، سال یازدهم. شماره ۴۴ و ۴۳. صص ۱۱-۲۳.

میرصادقی، جمال (۱۳۸۰). عناصر داستان. چاپ ششم. تهران: سخن.

میرصادقی، جمال (۱۳۸۳). داستان و ادبیات. چاپ اول. تهران: انتشارات آیه مهر.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحارالانوار. جلد ۱۷ و ۴۶. بیروت: مؤسسة الوفاء، الطبعة الثانية.

مولانا جلال‌الدین، محمدمولوی (۱۳۸۸). مثنوی معنوی. براساس نسخه رینولدالین نیکلسون. چاپ دوم. تهران: فرهنگسرای میردشتی.

منابع اینترنتی:

ایرنا، ۱۳۹۹، پژوهش، <https://www.irna.ir/news>

## References:

- The Holy Quran (۱۹۹۸). Translated by Fooladvand. Mohammad Mahdi. Tehran: Office of the History and Islamic teachings Studies
- Atardi Quchani, Azizullah (۱۳۹۷ AH). News and works of Imam Reza (AS). Tehran: Sadr Library
- Dad, Sima (۱۹۹۳). Dictionary of Literary Terms. Tehran: Morvarid Publication.
- Damiri, Kamal al-Din (۱۴۰۹ AH). The life of the great animal. Beirut: Dar al-Fikr Publication.

- Ghazai, Ghazi (۱۹۸۳). Shahab Al Akhbar. The short words of the last Prophet, peace be upon him. With Persian commentary by Seyyed Jalaluddin Ermoi Mohaddes. Second edition. Tehran: Scientific and cultural
- Hafiz, Shamsuddin. Mohammad (۱۳۸۷). Divan-e-Hafez. Ghazvini. Ghani. ۷<sup>th</sup> edition. With a collection of comments and notes by Allameh Mohammad Qazvini. The efforts by A. Jorbozedar. Tehran: Asatir
- Hajian, Khadijeh (۲۰۱۸). Linguistic reflection on the theme and thematic techniques in Persian poetry. Bimonthly of linguistic essays. Number ۲. p. ۲۴۹-۲۷۵
- Harani, Abu Muhammad (۲۰۱۵). Tahf Al Oghol An All Al Rasool. Translation: Sadeg. Hasanzadeh. Qom: Al Ali.
- Hanif, Mohammad (۲۰۱۰). Features of Persian folk tales. Iranian People Culture Quarterly. No ۱۷. p. ۳-۱۱۸
- Jokar, Najaf (۱۳۹۰). Lawsuit in the desert by analyzing hunting stories (in some texts and systems of Persian literature up to the seventh century). Boostan Adab Quarterly. Third year. Number ۱. p. ۵۳-۷۳.
- Mottaqi Hindi, Hesamuddin (۱۴۰۹ AH). Kanz Al Aamal fi Sonan Al aghval and ahval. Second edition. Volume ۱۵. Beirut: Moases al-Risalah Publications
- Mir Aghaei, Seyed Hadi (۲۰۱۳). Zamen Ahoo and its manifestation in Persian poetry. People's Culture Quarterly, Eleventh Year. No. ۴۴ and ۴۳. p. ۱۱-۲۳
- Mirsadeghi, Jamal (۲۰۰۲). Story elements. Sixth edition. Tehran: Sokhan
- Mir Sadeghi, Jamal (۲۰۰۵). Fiction and literature. First Edition. Tehran: Aye Mehr Publications
- Majlesi. Mohamadbager (۱۴۰۳ AH). Behar Al anvar. Volumes ۱۷ and ۱۶. What: Al vafa Al tabat Al sania publications

- Maulana Jala al-Din, Mohammad Maulavi (۲۰۱۰). Masnavi. Based on the version of Reynolds Nicholson. Second edition. Tehran: Mirdashti Cultural Center
- Pourjam, Sahar, Hosseini, Maryam (۲۰۱۹). "Imagination of poetry and painting of Zamen Ahoo in the works of Salimi Toni and Mahmoud Farshchian". Volume ۹. Number ۷. P. ۵۹-۷۱
- Qomi, Haj Sheikh Abbas (۲۰۲۰). Montaha Al Amal. Ninth edition.(Bija): Ahmadi Printing House
- Rezaei, Arab Ali (۲۰۰۴). Descriptive vocabulary of literature. First Edition. Tehran: Contemporary Culture
- Radfer, Abolghasem (۱۹۹۰). Rhetorical-literary culture. Volume ۱, Tehran: Etelaat
- Rabiee, Hadi (۲۰۱۵). Essays on what is Islamic art (diligently). Sixth Edition, Tehran: Matn
- Razi, Fakhreddin (۱۴۲۰), The Unseen Keys, Beirut: Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi
- Ravandi Kashani, Fazlullah Ibn Ali (Bita) Al-Nawadir. Qom: Dar Al-Kitab
- Salimi Toni, Tajuddin Hassan bin Suleiman (۱۳۹۰). Diwan Salimi Toni; By the efforts of Abbas Rasakhiz. With introduction by Hassan Atefi. Tehran: Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly
- Sheikh Saduq, Muhammad ibn Ali ibn Babawiyah (۱۳۷۳). Euyon Akhbar Al Reza (AS). Translated by Hamid Reza Mostafid and Ali Akbar Ghaffari. Volume II. First Edition. Tehran: Sadough
- .(۲۰۲۰).Al Tohid.First Edition.Qom:Teachers Association

- Tajdini, Ali (۱۳۸۸). The dictionary of symbols and signs in Molana's thought. Second edition. Tehran: Soroush
- Tabatabai, Mohammad Hussein (۲۰۰۸). Balance in the interpretation of Qur'an. Volume ۷. Qom: Qom Seminary Teachers Association
- Tusi, Muhammad ibn Hassan (۲۰۱۰). Explanations in the interpretation of Qur'an. Tehran: Zavel Ghorba
- Tabarsi, Hassan Ibn Fazl (۱۴۱۲ AH). Makarem Al-Akhlaq. Qom: Sharif Razi Publication
- Zolfaghari, Hassan (۲۰۱۶). Popular language and literature of Iranian people. Tehran: Samat

**Internet sources:**

- IRNA, ۲۰۲۱, research,mohammadi <https://www.irna.ir/news>